

اسناد پشت صحنه
استراتژی مشترک برای کنترل ستیزه
جویی و حل اختلافات میان
پاکستان و افغانستان پس از ۲۰۱۴ میلادی



اسناد پشت صحنہ

استراتژی مشترک برای کنترول ستیزہ جویی و حل اختلافات میان

پاکستان و افغانستان پس از ۲۰۱۴ میلادی

PILDAT یک اداره مستقل، بی طرف و عدم کسب منافع موسسه ای تحقیقاتی و تربیه بوده و هدف از آن مستحکم کردن موسسات دموکراسی و جمهوری در پاکستان است.

PILDAT به عنوان یک اداره حامل بدون منافع تحت راجستریشن ادارات لایحه ۲۱ مصوبه سال ۱۸۶۰ پاکستان راجستر شده است.

حق چاپ- موسسه توسعه و شفافیت قانون پاکستان (PILDAT)

تمامی حقوق محفوظ
چاپ شده در پاکستان
تاریخ نشر دسامبر ۲۰۱۳

ISBN: 978-969-558-392-0

هر بخش از این جزوه با درج عنوان PILDAT اجازه چاپ و نشر دارد.



موسسه توسعه و شفافیت قانون پاکستان **PILDAT**

دفتر مرکزی: خانه نمبر ۷، جاده نهم، ایف ۸/۱، اسلام آباد، پاکستان

دفتر لاهور: خانه نمبر A-45، بخش XX، طبقه دوم، فیز ۳ کمرشل ایریا، DHA، لاهور

تلفن: ۰۰۹۲-۵۱-۱۱۱-۱۲۳-۳۴۵؛ فکس: ۰۰۹۲-۵۱-۲۲۶-۳۰۷۸

ایمیل: info@pildat.org وبسایت: WWW.PILDAT.COM

عناوین

پیش گفتار

معرفی نویسنده

معرفی

11 دیدگاه افغانستان در ستیزه جویی و احساسات نسبت به پاکستان

11 دیدگاه پاکستان در زمینه ستیزه جویی و احساسات نسبت به افغانستان

15 مسائل و چالش های کنونی

17 حل اختلافات پس از ۲۰۱۴

18 رویکرد منطقه ای

21 روبرو پاکستان و افغانستان پس از دسامبر ۲۰۱۴

23 نتیجه گیری - راههای پیشرفت و رو به جلو، برخی از مراحل

که می توان انجام داد.

پیش گفتار

استراتژی مشترک برای کنترل ستیزه جویی و حل مناقشه میان پاکستان و افغانستان پس از ۲۰۱۴م مقاله ای است که توسط پلدات راه اندازی شده و به عنوان یک پس زمینه به خدمت نمایندگان پارلمان های پاکستان و افغانستان در گفتگوی مشترک یازدهم برنامه ریزی شده است که قرار است در ۱۷ و ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ در شهر کانل برگزار شود.

نویسنده این مقاله آقای اعجاز خان می باشد که در این مقاله به پیدایش روابط پاکستان و افغانستان با تمرکز بر مسائل جاری، دیدگاهها در زمینه رشد ستیزه جویی، چشم انداز درگیری پس از ۲۰۱۴م و مراحل مورد نیاز برای تقویت روابط استراتژیک که دو کشور باید برای آن تلاش کنند، پوشش داده است.

سلب مسئولیت

دیدگاه ها، نظرات ، یافته ها و نتیجه گیری و یا توصیه های بیان شده در این مقاله صرفاً نظرات نویسنده بوده و به هیچ وجه دیدگاه PILDAT را منعکس نمی کند.

اسلام آباد

دسامبر ۲۰۱۳م

درباره نویسنده



آقای اعجاز خان
استاد شعبه روابط بین الملل
دانشگاه پیشاور

آقای اعجاز خان استاد بخش روابط بین الملل دانشگاه پیشاور است. او کتابی با عنوان "فرهنگ استراتژیک پاکستان و ساخت سیاست خارجی: بررسی تغییرات در سیاست پاکستان و افغانستان پس از نهم سپتامبر" نگاشته است. علاوه بر این وی دو جلد کتاب در زمینه سیاست خارجی پاکستان را ویرایش کرده و مقالات دانشگاهی متعددی در زمینه های ملی و بین الملل را به عنوان سرمقاله منتشر کرده است.

آقای اعجاز خان همچنین عضو سازمان های ملی و بین المللی مختلف نیز می باشد و روابط نزدیک و فعال با سازمان های جامعه مدنی دارد. او همچنین به عنوان مشاور در زمینه های مورد علاقه خود فعالیت داشته است.

معرفی

تاریخ، جغرافیا، جامعه شناسی، سیاست و اقتصاد، امنیت و صلح، افغانستان و پاکستان را به یکدیگر وابسته ساخته است. این وابستگی متقابل و ارتباط، با هر روز جدید و بحران جدید افزایش یافته است.

بدون توجه به تاریخ، هر دو کشور در حال حاضر با چالش افراط گرایی، شورش و تروریسم مواجه هستند. روابط دو جانبه و استفاده نمودن از توانایی های خود می تواند هر دو کشور را در مقابله با این مشکلات و چالش ها موفق سازد. با این حال، با وجود این که هر دو کشور متوجه به نیاز مبرم به همکاری متقابل و هماهنگی هستند اما روابط دو جانبه خود را مملو از سوء ظن، بی اعتمادی و اتهام نموده اند.

در این مقاله به چالش ها و نقش طرف مقابل در برداشت از هر کشور بیان شده است. پس از آن به طور خلاصه به چگونگی تغییر درک دو همسایه نسبت به یکدیگر، جایگزینی بی اعتمادی با اعتماد، همکاری در رویارویی با چالش ها، توسعه روابط دوستانه و متقابل سودمند پرداخته شده است.

دیدگاه افغانستان در ستیزه جویی و احساسات نسبت به پاکستان

نگرانی اصلی امنیتی افغانستان از تهدید ناشی از شورش های مسلحانه داخلی است که به طور عمده با حمایت خارجی و غیردولتی بین الملل اداره می شود. علاوه بر این تهدید دیگر برای این کشور که باید به آن توجه داشت این است که برخی از کشورهای منطقه ای، برای بدست آوری منافع خود در افغانستان از این شبه نظامیان و شورشیان استفاده می کنند. در این شرایط می توان گفت که مشکل اصلی متشکل از منافع متضاد است و در این شرایط حاصل جمع و منافع نیز برابر صفر محاسبه می شود؛ بدست آوری منافع یک طرف به طور مستقیم برابر با از دست دادن منافع و لطمه وارد شدن به منافع طرف دیگر است. رقبا اصلی عبارتند از پاکستان و هند، ایران، ترکیه، عربستان سعودی و همچنین کشورهای آسیای مرکزی همه و همه برای نفوذ در افغانستان رقبای یکدیگر محسوب می شوند. در میان این همه افغان ها پاکستان را بعنوان یک مزاحم می پندارند.

افغانستان، پاکستان را بعنوان کشوری تلقی می کند که با دخالت های خود در شورش و بی ثباتی برای حاکمیت ملی کشور خود در حال تلاش است. افغانها عقیده دارند که پاکستان سیاست های سلطه طلبانه را در کشورشان اتخاذ نموده است. آنان عقیده دارند که پاکستان برای بدست آوری این نظریه به

طور واضح از طریق اقدامات، اظهارات و استفاده از وسایل مختلف دیپلماتیک و غیر دیپلماتیک به معنی هم پنهان و هم آشکارا سعی نموده است که روابط با کشورهای دیگر از جمله هند را به افغانستان دیکته کند. در این زمینه نیز پاکستان می خواهد با نفوذ خود دولت افغانستان را نیز تغییر دهد. به همین دلیل است که پاکستان از طالبان حمایت می کند و طالبان و گروههای دیگر تحمل کرده، خواهان تغییر دولت افغانستان است.

با اختصار می توان گفت که تمامی سیاست هایی که در بالا بیان شد، پاکستان خواهان عدم حاکمیت و استقلال افغانستان می باشد.

حافظه افغانها با بی اعتمادی در قبال پاکستان در مورد ادعای ارضی نیز پر شده است. مرز پاکستان با افغانستان توسط انگلیسی ها در سال ۱۸۹۴م بعنوان خط دیورند مشخص شده بود. افغان ها در آستانه خروج انگلیسی ها از شبه قاره هند، این مسئله را بار دیگر مطرح نمودند. همچنین افغانستان تنها کشوری بود که با عضویت پاکستان در سازمان ملل در سال ۱۹۴۷م مخالفت کرد و خواستار حل و فصل مسئله خط دیورند شد. آنان عقیده داشتند که نمی توان پاکستان را با اراضی که از انگلیس به ارث برده است، به رسمیت شناخت. افغانستان از روز اول این مسئله را بیان نموده است. تا کنون هیچ حکومتی، حتی طالبان و نزدیک ترین دولت افغانستان با پاکستان، قانونی بودن خط دیورند را نپذیرفته است.

گرفته از ستیزه جویی افغانستان و تروریسم در آن کشور سرچشمه گرفته از دخالت های خارجی است. نظر غالب در پاکستان این است که شورش هایی که در پاکستان جریان دارد از سوی نیروهای خارجی به ویژه هند حمایت می شود. آنان عقیده دارند که این امر موجب برداشت تهدید امنیتی برای هند تلقی شده و موجب ترقی بدون رغیب و کسب تمامی امتیازات برای آن کشور شده است.

پاکستانی ها عقیده دارند که سیاست های افغانستان از سیاست امنیتی هند سرچشمه می گیرد. سیاست پاکستان در قبال افغانستان پس از مداخلت های شوروی در آن کشور آغاز شد و به طور عمده با دو هدف اصلی این سیاست ها دنبال می شد.

۱) جلوگیری از نفوذ هند در افغانستان

۲) حل و فصل مسئله خط دیورند از طریق دنبال نمودن سیاست جایگزینی مذهب در مقابل رهبری ملی گرای پختون سکولار و زنده نمودن روایات قدیم

پس از خروج شوروی (و غرب) از افغانستان، در زمینه دور نگه داشتن هند از افغانستان، پاکستان خواهان روابط دوستانه و دولتی شد که دو هدف ذکر شده را در نظر داشته باشد.

پاکستان هرگز روابط خوب با افغانستان نداشته است. با بیان داستان روابط میان پاکستان و افغانستان، تفکر اکثر قانون دانان و سیاستمداران پاکستانی به بی اعتمادی

پاکستان با توافق و حمایت ایالات متحده آمریکا، با استفاده از مخالفت مذهبی از مداخله شوروی در افغانستان، آن را بهترین شرط بندی و موقعیت خود در افغانستان تلقی کرد. پشتیبانی پاکستان از مجاهدین در دهه ۸۰ و پس از آن، فعالیت ها، همفکری و سیاست نسبت به طالبان افغان موجب شده است که افغانها تمامی این اقدامات را از سلطه طلبی پاکستان در کشورشان تلقی کنند.

در افکار و برداشت های افغانها، پاکستان به اصلی ترین منبع بی ثباتی در افغانستان مبدل شده است. برای اکثر افغان ها امروزه چالش و مسئله اصلی قبل از هر چیز پایان دادن به شورش طالبان است و آنان عقیده دارند که پاکستان از آنان حمایت می کند و یا در صورت عدم حمایت، اجازه می دهد که شورشیان افغان از خاک پاکستان استفاده نمایند. آنان عقیده دارند که پاکستان برای شورشیان پایگاههای امن ارائه می کند و یا این پایگاهها را تحمل می کند و برای حمایت بین المللی از طالبان در پاکستان یا جای دیگری تلاش می کند. آنان معتقد که پاکستان نقش کلیدی در بی ثباتی افغانستان ایفا می کند.

نظر پاکستان در ستیزه جویی و احساسات نسبت به افغانستان

پاکستان معتقد است که ستیزه جویی که در کشورش جریان دارد، نشات و سرچشمه

اکثر رهبران و سیاست مداران پاکستانی چنین عقیده دارند که هند قابل و یا هر کس یا هر چیز که با هند رابطه و یا لینکی دارد قابل اطمینان نمی باشد. نباید سکولار بود و برخی از رهبران پشتون بعنوان متحد انتخاب شدند. به دو دلیل نگرانی پاکستان نسبت به افغانستان افزایش یافت. اول به دلیل برقراری روابط دوستانه افغانستان با هند، منابع تهدید در زمان جنگ پاکستان با هند افزایش یافت. از سوی دیگر افغانستان ادعا نمود که بیشتر مناطق پشتون پاکستان متعلق به آن کشور است. در پاسخ به این ادعا برخی از رهبران پشتون پاکستان ابراز نمودند که قبل از جدایی پاکستان از هند، نمایندگانی پشتون از این مناطق در کنگره هند بعنوان نماینده از این مناطق حضور داشتند. روابط افغانها و پشتون های پاکستان و روابط آنان با هند موجب شده است که در ذهن دولت و دولت مردان پاکستان سوء ظن پیدا شود. این سوء ظن ها موجب شده است این سیاستمداران در استراتژی خود سیاست های مبتنی بر دین جهت مراقبت از مسئله دیورند را اتخاذ کنند.

در مطالعات اخیر که مستندی از سیاست های خارجی پاکستان است، دیدگاههای حقیقی و طرز تفکر مردم و سیاستمداران آن کشور در قبال افغانستان را نشان می دهد. سیاست های خارجی پاکستان در زمینه های مهم نه افراطی و نه تفریطی بلکه کاملاً میانه رو و مناسب می باشد. یکی از این سیاست ها این است که آمریکا نباید مدت زیادی در افغانستان باقی بماند. پاکستان پس از حادثه

خلاصه می شود. در اینجا باید گفت که این بی اعتمادی متقابل است. فراز و نشیب های فراوانی در روابط پاکستان و افغانستان رو نما شده است. در زمان نخست وزیری سردار داوود (۱۹۵۳ - ۱۹۶۳) در افغانستان این روابط به کمترین میزان خود در طول زمان رسید. در سال ۱۹۶۱ افغانستان با پاکستان روابط دیپلماتیکش را قطع نمود. پاکستان نیز در پاسخ به این اقدام ممنوعیت امکانات حمل و نقل به افغانستان را اعلام کرد. اوج این نشیب را در زمان تصدی سردار داوود در افغانستان به چشم آمد که از پشتونستان حمایت کرد. این روابط در سال ۱۹۶۳م پس از استعفای سردار داوود از سر گرفته شد.

با این حال، برای اصلاح و با چشم اندازی متوازن باید به این امر اشاره نمود که افغانستان در تمامی جنگ های پاکستان و هند (۱۹۴۸، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱) بی طرف بوده است که موجب کم شدن دغدغه پاکستان از سوی مرزهای شمال نشده و همراه با تمرکز به درگیری در مرزهای جنوبی خود با دشمنش، نیروهای خود را در مرزهای شمالی بدلیل نگرانی ها خود نیز حفظ نمود. با وجود این که در آن زمان هیچ اتفاقی رخ نداد اما نگرش پاکستان در قبال افغانستان تغییر نکرده و پاکستان با رهبران پشتون نیز هیچ رابطه ای برقرار نکرد تا بتوان مسائل را بحث کند. این امر موجب پیامدهای جدی در سیاست پاکستان و افغانستان شد.

نهم سپتامبر مکرراً اعلام نموده است که باید القاعده را از طالبان (طالبان خوب/طالبان های پشتون و ملی گرا) جدا نمود. پاکستان همچنان بر این نکته پافشاری می کند که باید راه حلی مناسب با توجه به مردم و تمامی احزاب و گروههای افغانستان به رهبری خود آنان اتخاذ شود. همچنین پاکستان خواستار دولتی است که روابط دوستانه با این کشور داشته باشد. پاکستان برای دستیابی به اهداف خود خواستار تعمیق استراتژیک مشترک و دوستی با دولت/نمایندگان تمامی گروههای قومی/ نمایندگی خوب طالبان و غیره می باشد و روابط افغانستان با هند می تواند تنها در زمینه توسعه اقتصادی باشد.

مسائل و چالش های کنونی

هر دو کشور متوجه اهمیت دیگران برای آنان هستند. با وجود تنش ها و بی اعتمادی ها، هر دو کشور نیاز مبرم دارند که با همکاری با یکدیگر برای دستیابی آرمان ها ملی و منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود تلاش نمایند. مسائل متعددی میان دو کشور وجود دارد که باید هر چه سریعتر با برقراری و پیشرفت در روابط دو جانبه آن را حل و فصل نمایند.

روند صلح افغانستان، آزادی زندانیان طالبان افغانستان از سوی پاکستان و واکنش رسمی افغانستان

افغانستان در تلاش است تا طالبان را به میز مذاکره بکشاند. همچنین این کشور از پاکستان انتظار پشتیبانی از این تلاش ها را دارد. در این تلاش ها آنان مدعی هستند که طی ارتباط با برخی از رهبران با نفوذ طالبان، برخی از آنان برای حل و فصل مسائل تمایل نشان داده اند. در این میان، برخی از رهبران مهم از آنان توسط پاکستان دستگیر شده اند و در پاکستان بسر می برند. ملا عبدالغنی برادر دومین رهبر مهم طالبان پس از ملا عمر، یکی از این افراد طلقی می شود که بعد از آغاز برخی اقدامات در روند صلح و مذاکرات دستگیر شد. افغانستان این دستگیری ها را در چنین برهه از زمان به

عنوان اختلال در روند صلح افغانستان تلقی نموده است.

از سوی دیگر پاکستان بسیاری از این افراد از جمله ملا برادر را در سال ۲۰۱۳ رها نموده که نشاندهنده این مطلب است که این کشور در زمینه تعهد خود برای حمایت از روند صلح افغانستان پایبند می باشد. با این حال، پاکستان این افراد را در حفاظت خود نگه داشته است. افغانستان نیز در این زمینه خواهان دسترسی به این افراد با رضایت خود می باشد. آقای نواز شریف نخست وزیر پاکستان، در سفر اخیر خود به افغانستان (نوامبر ۲۰۱۳) قول داد که به نگرانی افغانستان در زمینه حفاظت پاکستان از رهبران آزاد طالبان و ایجاد خلل در روند صلح، رسیدگی خواهد نمود.

استفاده از سرزمین یکی در برابر دیگری

افغانستان پاکستان را متهم به تحمل پناهگاه های امن شورشیان در مناطق قبيله ای فدرال (FATA) پاکستان می سازد. آنان انتظار دارند که پاکستان بر علیه آنها واکنشی جدی نشان دهد. همچنین آنان ادعا دارند که از پاکستان به عنوان مسیری برای پشتیبانی شورشیان هم از لحاظ انسانی و هم مادی، چه از داخل خود این کشور و چه خارج، استفاده می شود. در این زمینه افغانستان به شورای کوئته، شبکه حقانی و دیگر سازمان های

کشور خود ننماید. تعداد زیادی از پناهندگان افغان همچنان در پاکستان باقی مانده اند. از سوی دیگر پاکستان خواهان بازگشت سریع این افراد می باشد. افغانستان معتقد است که اگر این افراد مجبور به بازگشت به افغانستان شوند، مسائل جدی برای دولت و اقتصاد ایجاد شده و در نتیجه به این پناهندگان اجازه داده شود تا زمانی بیشتر در پاکستان باقی بمانند.

دسترسی و راه ها

افغانستان کشوری محسوب می شود که به جهت عدم دسترسی به آب های آزاد، زمین قفل شده تلقی می شود. به همین دلیل این کشور می تواند با بهره گیری از خاک پاکستان به عنوان یک مسیر برای اتصال با دیگر نقاط جهان برای تجارت، برای دریافت کمک و همچنین برای سفر استفاده نماید. آنان انتظار ادامه بدون وقفه از آن و تسهیل در این زمینه را دارند.

خط دیورند

اتهامات دراز مدت افغانستان بر سر خط دیورند و برقراری روابط با هند، از جمله مرکزی ترین موضوعات بی اعتمادی و عدم هر گونه پیشرفت در مسائل دیگر محسوب می شوند.

مذهبی افراطی در سراسر پاکستان که مایحتاج و نیروی انسانی را برای شورشیان افغانستان فراهم می کنند، اشاره می کند.

از سوی دیگر پاکستان، افغانستان را متهم به استفاده شدن خاک کشورش و حتی حمایت از شورشیان پاکستان می سازد. یکی از چهره های مشهور در این زمینه ملا فضل الله رهبر فعلی تحریک طالبان پاکستان است که در شورش های فراوان در بخش ملکنند ایالت خیبرپختونخوا پاکستان ملوث بوده و در حال حاضر در افغانستان حضور دارد. همچنین پاکستان افغانستان را متهم به حمایت از جنبش بلوچ های جدایی طلب نموده است. این اتهام بیشتر به دلیل تسهیل و یا اجازه به هند جهت استفاده از قلمرو افغانستان برای فعالیت های مختلف بی ثناتی کننده در داخل پاکستان بویژه در ایالت بلوچستان، عائد افغانستان شده است.

این سلسله اتهامات، منجر به درگیری مرزی میان نیروهای امنیتی دو کشور و گلوله باران های تکراری در مرزها شده است. همچنین این وضعیت موجب برجسته تر شدن بی اعتمادی موجود و فاصله میان دو کشور همسایه شده است.

مهاجرین افغان

افغانستان خواهان این امر است که پاکستان پناهندگان افغان را مجبور به بازگشت به

حل اختلافات پس از ۲۰۱۴

مجبور به اتخاذ تصمیماتی می نماید که خواهان آن نیست.

بسیاری از فرصت ها و تصمیم گیری ها بستگی به اقدامات افراد مسئول و بازیگران بالقوه و انگیزه ها و اولویت ها و قدرت برداشت آنان دارد. هم چنین در بسیاری از موارد این فرصت ها و اقدامات رابطه ویژه ای با هزینه ها و وقت به کار گرفته شده منحصر است. همچنین این امر بستگی مستقیم با تفکرات افراد و نهادهای مورد نظر دارد. بنابراین در تغییر احساسات میان پاکستان و افغانستان تغییراتی اساسی مورد نیاز است.

ایوب خان استدلال می کند که "مشکلات اساسی در اکثر کشورهای جهان سوم قبلاً بر دو عامل مهم منحصر شده است. اولین عامل را می توان ضعف جامعه مدنی و نهادهای سیاسی آن کشورها دانست. به دلیل ضعف نهادهای سیاسی، بیشتر منابع این کشورها و درآمد آنان صرف مخارج امنیتی این کشورها شده است. دومین عامل انحصار تمامی مراحل در یک مرحله تلقی می شود. این امر موجب انقطاع زمان در دسترس برای تکمیل این روند می شود. از سوی دیگر این امر موجب افزایش دخالت سیاسی به جای سازمان های مربوطه به عمل مورد نظر می شود."

در این مقاله به طور آگاهانه از بیان حل اختلافات منطقه ای میان دو یا سه گروه اجتناب شده است. در این دست نوشت به این مطلب اشاره شده است که اختلافات در حال رشد است. با کاهش تقسیم مناطق خود مختار، ادعاها بر مناطق شدت و اثر خود را از دست خواهد داد. با گذشت زمان این ادعاها و اتهامات تنها بخشی از بیانات در میان مردم و یا در بازی های کریکت باقی خواهد ماند.

سوال بسیار مهم که در این زمینه بوجود می آید این است که آیا قانون سازان و سیاستمداران با توجه به استدلال های علمی و یا درخواست برخی از فعالان اجتماعی در زمینه صلح، احساسات خود را تغییر خواهند داد؟ انسان تاریخ خود را خودش رقم می زند اما این امر را برخاسته های خود و احساساتش بنا نمی کند. بسیاری از این تصمیم گیری ها به خواسته خود انسان نیست بلکه با توجه به شرایط و احتیاجات به این امر می پردازد. همچنین بسیاری از اقدامات و تصمیم گیری های گذشته انسانی، بر دوش جامعه کنونی و رهبران این زمان سنگینی ایجاد می کند. برای رسیدن به یک هدف در بسیاری مواقع، محیط، شرایط، منابع، مداخلت های دیگران و بسیاری از دلایل دیگر نقش اساسی را ایفا می کند و انسان را

جایگزین ثبات سیاست ها و تغییرات ناگهانی می نماید. این تغییرات در پاکستان و افغانستان تحت دولت های نوین آغاز شده است و پاکستان تغییراتی اساسی برای کمک به افغانستان و تلاش برای تغییر تفکرات دولت افغانستان در مورد دشمنی پاکستان را در سیاست های خود ایجاد نموده است. ساختار دموکراتیک در پاکستان نشان دهنده تنوع ملی، زبانی و فرهنگی که در آن مردم با سیاستهای اتخاذی دولت خود سهیم هستند، نشانگر و منادی تحولات منطقه ای محسوب می شود.

رویکرد منطقه ای

وضعیت بسیار پیچیده در میان کشورهای منطقه زمانی بوجود می آید که هنگام رسیدن به توافق در زمینه ای، در زمینه دیگر اختلاف نظر وجود داشته باشد و یا در زمینه دیگر به یکدیگر شک داشته باشند. چین، هند و ایران ممکن است در زمینه افغانستان نزدیکتر شوند اما اعطای مدیریت بندرگاه گوادر به چین از سوی پاکستان از این حیث که چین می تواند از این بندرگاه بعنوان پایگاه دریایی برای نیروهای خود استفاده کند، موجب ایجاد سوء ظن در میان سیاستمداران هندی و ایرانی خواهد شد. گوادر تنها ۷۰ کیلومتر از بندرگاه چابهار ایران فاصله دارد.

سیاستمداران پاکستان و افغانستان باید تغییرات اساسی را در تصمیم گیری های خود همچنین در درک و فهم سیستم دولتی و امنیتی خود ایجاد نمایند، این امر موجب تغییر سیاست های امنیتی در دو طرف خواهد شد. در حال حاضر افراد سازنده و تصمیم گیرنده تنها زمانی بر سیاست های خود نظری دوباره دارند که سیاست های آنان با مشکل یا با تخریب کامل مواجه شود. آنان تا آخرین زمان و حدالامکان همان تصمیمات و سیاست ها را دنبال می کنند و شانس خود را در هر زمینه امتحان می نمایند. غالباً افکار و سیاست های آنان از طریق مقالات دانشگاهی و یا استدلال ها تغییر نمی کند. از سوی دیگر با تغییرات در نظام، این تصمیم گیرندهها از طریق فروپاشی کل موجب نتایج غیر قابل پیش بینی می شوند. برای مقابله با این امر باید نظام های دموکراتیک در دو طرف مستحکم شود. فروپاشی رژیم های مختلف آسیایه میانه، حکومت های سکولار با قوانین غیردموکراتیک نتیجه ای از تمامی این عدم توجه های این کشورها محسوب می شود.

بدون بحث در مورد صلح دموکراتیک، روبرو امنیتی مسالمت آمیز دولت های دموکراتیک از طریق همکاری به جای دشمنی با توجه به این امر که تنها قوت نظامی تضمین کننده محسوب می شود، موجب ایجاد تحولات و تغییرات در سیاست گذاری افراد تصمیم گیرنده می شود. دموکراسی تغییرات تکاملی و انطباق را

بسیار فعال و دو جانبه، منطقه ای و همچنین در سطح بین الملل اقداماتی صورت پذیرد.

ایران معتقد است که برای یافتن راه حل برای اتمام جنگ افغانستان به رویکردی منطقه ای احتیاج وجود دارد. با وجود اینکه این کشور خواستار عدم شرکت آمریکا در این روند می باشد، اما مخالف منافع آن کشور نیز نیست. پس از انتخاب آقای روحانی بعنوان رئیس جمهور ایران، پیشرفت های فراوانی در زمینه روابط دو جانبه ایران و آمریکا رخ داده است. از سوی دیگر حتی در اوج اختلافات و تنش ها در روابط دو جانبه دو کشور، آمریکا مخالف نفوذ ایران در افغانستان نبود. برقراری روابط مستحکم و خوب میان ایران و آمریکا تأثیرات مثبتی را بر افغانستان خواهد داشت و می توان گفت از این طریق در صورت وجود نگرانی در مورد بازگشت طالبان، دیگر هیچ نگرانی وجود نخواهد داشت یا می توان گفت که غیرقابل تصور خواهد بود. با اجماع ایران، کشورهای منطقه و آمریکا در مورد تحول منطقه ای، فشار بر پاکستان نیز برای پیوستن به این جنبش افزایش خواهد یافت.

رویکرد منطقه ای باید در چارچوب های بین الملل بوده و نباید بعنوان جایگزین آن باشد. درک نمودن مشکل برای یافتن توافق منطقه ای، باید به درک چالش های غیردولتی، همه جانبه، امنیت سنتی، حکومت و بخش توسعه و ایدئولوژیک رسیده شود. برای حل و فصل

رویکردی منطقه ای برای حل مناقشه در افغانستان تحولی بزرگ و مهم تلقی می شود. بسیاری از کشورهای منطقه این رویکرد را بهترین انتخاب محسوب کرده اند. چالش برای یافتن توافق منطقه ای در حمایت افغانستانی باثبات و به دور از تروریسم با توجه به رقابت پاکستان و هند، اقدامی بسیار دشوار تلقی می شود. با در نظر داشتن تهدید امنیتی از سوی هند برای پاکستان و توجه به نزدیکی بیش از حد هند به افغانستان، پاکستان این نگرانی را خواهد داشت که در صورت نزدیکی این دو کشور، در صورت بروز درگیری نظامی در مرزهای شرقی خود (هند) به هیچ وجه نمی توان از سوی مرزهای غربی (افغانستان) اطمینان خاطر داشته باشد و خطر از آن سو نیز احساس خواهد شد. این ترس و نگرانی موجب شده است که پاکستان سیاست تلاش برای تشکیل یک دولت دوستانه در افغانستان را دنبال نماید. به این خاطر حل اختلاف پاکستان و هند برای رسیدن به صلح در افغانستان می تواند حیاتی تلقی شود.

تلاش شده است که پاکستان متقاعد شود که نیازی به نگرانی نیست و آن کشور همانند ساندویچی میان هند و افغانستان نخواهد بود. توجه به منافع پاکستان از طریق طالبان (تحت هر نام) پس از ۲۰۱۴ در افغانستان تقریباً از سوی نه تنها هند بلکه هیچ کشور دیگر منطقه قابل قبول نخواهد بود. برای متقاعد نمودن پاکستان، به این امر باید توجه داشت که نگرانی آن کشور از طریق دیپلوماسی

حل تنازعات افغانستان و منجر به پر شدن خلاء دوری دولت با مردم چه در داخل و چه در خارج افغانستان را فراهم سازد.

رسیدن به اجماع منطقه ای در سال ۲۰۱۴م بسیار دشوار تلقی می شود. به طور واقع بینانه باید گفت که پس از دسامبر ۲۰۱۴ در صورت عدم بروز اجماع منطقه ای، به دلیل ضعف و تلاش کشورهای منطقه به کسب منافع خود در افغانستان، این کشور به سوی میدانی نبرد مبدل خواهد شد.

این مناقشه پیچیده، باید در سطوح مختلف رویکردهایی صورت پذیرد.

۲۰۱۴ را می توان تعریفی برای بازیگران مختلف در سطوح مختلف داشته باشد. کاهش حضور آمریکا/ناتو، فضای بیشتری را برای کشورهای منطقه ای باز خواهد نمود. درگیری ها پس از دسامبر ۲۰۱۴ پایان نخواهد یافت. با این حال باید روند صلح و ثبات تدریجی را جایگزین ترس از خشونت، آغاز نمود.

رویکرد تحول منطقه ای به حلقه های اقتصادی منطقه ای نیاز مبرم دارد. افزایش تعاملات اقتصادی چند جانبه و در اشکال مختلف و راه اندازی پروژه های گاز و انرژی، و یا سرمایه گذاری منطقه ای بویژه در افغانستان و افزایش تجارت منطقه ای با آن کشور، می تواند عمده‌تاً موجب بدست آوری منافع تمامی کشورها و برپایی افغانستانی با ثبات و صلح آمیز شود.

راه حل دیگر که پیشنهاد می شود، حل و فصل روابط پاکستان با هند است. اگر پاکستان و افغانستان می توانند در جهت پیشرفت روابط دوجانبه خود تلاش کنند، هر دو در کنار هم می توانند در بهبود روابط پاکستان و هند نیز اقدامات مثبتی را انجام دهند.

اجماع منطقه ای در چارچوب و با حمایت جهانی و احترام متقابل داخلی می تواند فرآیند مستمر برای برپایی صلح، دولت سازی و

روابط پاکستان و افغانستان پس از دسامبر

۲۰۱۴

روابط پاکستان و افغانستان پس از دسامبر ۲۰۱۴ بر وضعیت حقیقی آن زمان و اقداماتی که در حال حاضر و قبل از آن انجام می دهند، منحصر خواهد شد. همچنین سیاست ها و اقدامات کشورهای دیگر منطقه و آمریکا و دیگر مشارکین بین الملل افغانستان نیز بر این روابط نقشی مستقیم خواهد داشت.

اگر پاکستان و افغانستان خواهان از بین بردن و یا کم نمودن و به حداقل رساندن بی اعتمادی متقابل خود با اتخاذ سیاست و اقدامات مثبت هستند، می توان امید داشت که پس از ۲۰۱۴ دو کشور روابطی مستحکم و نزدیک خواهند داشت. حال موقعیتی مناسب برای هر دو طرف ایجاد شده است که بتوانند با رفع نمودن بی اعتمادی و جبران اشتباهات گذشته خود، برای برقراری روابطی دوستانه و مستحکم قبل از ۲۰۱۴ تلاش نمایند.

روابط میان دو کشور همچنین میتواند پس از بهبود روابط ایران و آمریکا تحت تاثیر قرار خواهد گیرد. پاکستان می تواند این مطلب را یکی از وجوهات افزایش فاصله میان خود و افغانستان تفسیر کند. همچنین می توان از این امر برای فرصتی مناسب و خوب برای هماهنگی بهتر منطقه ای استفاده نمود و این اقدام را به عنوان حذف مانع بر توسعه و

رویکرد منطقه ای و اتفاق نظر در دیدگاهها دانست.

توافقنامه امنیتی دوجانبه بین ایالات متحده و افغانستان

ایالات متحده و افغانستان بر سر توافقنامه امنیتی دو جانبه در ۲۰ نوامبر ۲۰۱۳ توافق کرده اند که از سوی لویه جرگه افغانستان مورد تصویب و موافقت قرار گرفت. با این حال، هنوز این توافقنامه نیاز به تایید از مجلس نمایندگان و آقای کرزی رئیس جمهور افغانستان دارد که پس از آن به نیروهای امنیتی سپرده خواهد شد. با وجود این که دغدغه هایی در این زمینه تا کنون وجود دارد، آنان اعتقاد دارند که هر دو طرف در این مدت قادر به غلبه بر مشکلات خود بوده و این توافقنامه چارچوبی قانونی برای ایالات متحده آمریکا برای قیام پس از سال ۲۰۱۴ محسوب خواهد شد.

در توافقنامه امنیتی آمده است که "دو طرف توافق نموده اند که نیروهای امنیتی آمریکا دیگر پس از این معاهده در افغانستان عملیات جنگی انجام نخواهد داد." در این توافقنامه آمده است که دولت آمریکا کمک های مالی خود را به نیروهای امنیتی افغان ارائه خواهد نمود، این کمک ها از طریق دولت کابل ارائه خواهد شد.

در این توافقنامه آمریکا متعهد شده است که با دولت افغانستان در صورت تهدیدات

خارجی همکاری کند، اما این همکاری به روش ناتو نخواهد بود بلکه با توافق دفاعی میان دو کشور انجام داده خواهد شد. در صورت این توافق آمریکا متعهد به همکاری در صورت تهدید خارجی یا داخلی با افغانستان در هر صورت نخواهد بود. در صورتی که چنین تهدید بوجود آمد، طبق این اسناد، برای آمریکا این امر بسیار نگران کننده خواهد بود و پس از مشاورت و بررسی پشتیبانی خود را در این زمینه به افغانستان ارائه خواهد نمود.

در ضمیمه این پیش نویس فهرستی از مکان های ملحق شده است که افغانستان آماده برای فراهم نمودن پایگاههای نظامی برای استقرار نیروهای آمریکای در مکان های نامبرده شده می باشد. این اسناد به آمریکا اجازه می دهد که در بیش از ۹ پایگاه که شامل پایگاههای نظامی بگرام و قندهار است، نیروهای خود را مستقر نماید. همچنین این اسناد اجازه می دهد که در ۷ پایگاه هوایی افغانستان از جمله فرودگاه بین المللی کابل، هواپیماهای آمریکایی اجازه دارند پروازهایی به داخل و خارج از افغانستان داشته باشند.

نتیجه گیری - راههای پیشرفت و رو به جلو

این مقاله اعتقاد دارد که تحول رواند دو جانبه پاکستان و افغانستان از دشمنی به همکاری، فرآیندی طولانی تلقی می شود. توانایی تروریست ها خارج منطقه برای یافتن فضای مناسب برای خود در مناطق افغانستان و پاکستان و دخالت عناصر درونی در این روند در تروریسم محلی، منطقه ای و جهانی، همه و همه با روابط امنیتی برای منطقه در هم تنیده شده است.

فرآیندهای سنتی دیپلماتیک با روشهای جدید و استفاده از زور برای مقابله با خشونت می تواند برای مدتی قابل استفاده باشد اما این مسائل میان دو کشور را از بین نخواهد برد. مشارکت مداوم با قدرت های جهانی برای جستجوی و حفاظت از روند صلح و همکاری با دولت های دموکراتیک ضعیف و آسیب پذیری آنان، خطرهای سقوط و افزایش خشونت، و مسائل دیگر یکی از نگرانی های عمیق امنیت جهانی محسوب می شود. بر این مطلب باید پافشاری نمود که مشکلات فراوان داخلی و برای پیشبرد کشور، اقدامات بسیاری موجب بروز اختلافات داخلی می شود.

هر دو کشور می توانند فرآیندی را اتخاذ کنند که منجر به آغاز روابط دوستانه به صورت تدریجی شود. باید به این مطلب توجه داشت که سوء ظن ها و بی اعتمادی توسعه یافته میان دو کشور نمی تواند در یک روز و یا یک دوره مذاکرات حل و فصل شود. دو

طرف باید مناطق و زمین های مورد نگرانی خود را شناسایی کرده، تا بتوان اقدامات فوری مورد نیاز را انجام داد و برای کم نمودن اختلافات تلاش کرد. در این زمینه نیاز به صرف حداقل هزینه، تنظیم سیاست و بررسی مسائل سخت و اختلافات شدید و موافقت با برخی از مخالفت ها می باشد. یکی از زمینه هایی که لازم به انجام اقدامات سریع را دارد، هماهنگی در مبارزه با شورشیان است. این زمینه ای مناسب برای کاهش شکاف میان دو کشور محسوب می شود. در زمینه هایی که در زیر به آن اشاره شده است، می توان اقدامات مناسبی را اتخاذ نمود.

1. پاکستان باید از اقدامات افغانستان در زمینه پیشبرد روند صلح و ثبات انجام داده است حمایت کند. در این زمینه این کشور باید تمامی اقدامات از جمله زمینه مذاکرات با طالبان و رهبران تحت اسارت طالبان و محافظت شده از سوی این کشور را فراهم سازد.

2. هر دو کشور باید با یکدیگر و در کنار هم برای رسیدن به راه حل مناسب منطقه ای با در نظر گرفتن منافع مشروع دیگران همکاری کنند.

3. هر دو طرف باید طرف مقابل خود را در زمینه عدم اجازه به شورشیان در زمینه استفاده از خاک شان در برابر دیگری مطمئن سازند.

4. هر دو طرف باید تلاش کنند که به هیچ قدرت خارجی برای استفاده از سرزمینشان در مقابل تهدید دیگری چنین اجازه ای را اعطا نکنند.
5. کنترل مرزی میان دو کشور سختگیرانه تر شود. از سوی دیگر در زمینه تسهیل حرکت قانونی کالا و مردم میان دو کشور اقدامات لازم اتخاذ شود.
6. ساخت و ساز مسیرهای انتقال انرژی در میان دو کشور مورد بررسی قرار گیرند.
7. باید تجارت دوجانبه میان دو کشور افزایش یابد و این تجارت های از روش غیررسمی به صورت رسمی مبدل شود. با این روش دو کشور می توانند سود بیشتری را کسب کنند.
8. پاکستان باید در بازسازی و توسعه افغانستان بالخصوص در زمینه های آموزش و پرورش اقدامات کمکی لازم را انجام دهد.
9. دو کشور باید روابط مردم با مردم را از طریق آسان نمودن حصول ویزا و افزایش تماس جوامع مدنی دو کشور، بهبود بخشند.
10. افغانستان باید تلاش کند که از سوء استفاده نمودن خاک خود برای حمل و نقل تجاری بر علیه منافع اقتصادی پاکستان اقدامات لازم را صورت دهد.
11. هر دو طرف باید بر مسئله خط دیورند تلاش خود را دنبال نموده و برای حل این مسئله و اختلاف روش دیپلوماتیک را اختیار نمایند.



اسلام آباد آفس: نمبر 7، 9th ایونیو، F-8/1 اسلام آباد، پاکستان
لاہور آفس: 45-اے سکیٹر 20 سکینڈ فلور فیز III کمرشل ایریا، ڈیفنس ہاؤسنگ اتھارٹی، لاہور
ٹیلیفون: (+92-51) 111-123-345 فیکس: (+92-51) 226-3078
E-mail: info@pildt.org; Web: www.pildat.org